

بررسی صلاحیت رسیدگی به بزه قاچاق ارز در حقوق ایران

مرتضی ثرونی بی‌نیاز* - دکتر فریدون جعفری**

چکیده:

موضوع قاچاق ارز، یکی از موضوعات بسیار مهمی است که در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ نیز بدان توجه شده است و مبنای مبارزه با چنین پدیده‌ای را می‌توان مبارزه با فساد اقتصادی و حفظ امنیت اقتصادی عنوان نمود؛ در رابطه با صلاحیت رسیدگی به بزه قاچاق ارز می‌توان دو نوع صلاحیت قضایی و غیر قضایی را مورد بررسی قرار داد که در خصوص صلاحیت رسیدگی از نوع قضایی می‌توان دادگاه انقلاب و دادگاه عمومی را عنوان نمود؛ از جهاتی نیز سازمان شاک، کاشف و تعزیرات حکومتی قرار دارند که به‌عنوان صلاحیت غیرقضایی در جهت رسیدگی به بزه قاچاق ارز، مطرح می‌باشند. سپردن قرار تأمین، تحصیل دلایل قانونی و حق تجدیدنظرخواهی و اعتراض نیز از جمله موارد آیین رسیدگی در شعب قضایی و غیرقضایی می‌باشد که در قانون، شرایط آن عنوان گردیده است.

کلیدواژه‌ها:

جرایم ارزی، قاچاق، صلاحیت، شعب کیفری، شعب غیر کیفری.

مجله پژوهش‌های حقوقی (فصلنامه علمی - ترویجی)، شماره ۴۳، پاییز ۱۳۹۹
صفحه ۳۹-۴۳. تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۱۰/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۶

* دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران

Email: mortezaservati@yahoo.com

** استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران،

Email: jafari@basu.ac.ir

نویسنده مسئول

مقدمه

باتوجه به اهمیت موضوع و مفهوم قاچاق ارز، قانونگذار در بند «الف» ماده «۱» قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ به تبیین مفهوم قاچاق ارز و کالا پرداخته است و عنوان نموده که «قاچاق کالا و ارز هر فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز گردد و بر اساس این قانون و یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد، در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود.» به طور کلی قاچاق ارز بر طبق قانون مزبور جرم تلقی گردیده است و در راستای وضع قانون مزبور، مقررات مربوط به قوانین قبلی نسخ شده‌اند؛ اما طبق بخشنامه‌ای که دفتر واردات گمرک ایران به گمرکات اجرایی ابلاغ نموده است، هر شخص حقیقی و حقوقی می‌تواند با رعایت مقرراتی که بانک مرکزی اعلام کرده است، به هر میزان، ارز و اسکناس وارد کشور کند و هرگونه ممانعت دستگاه‌ها، تخلف محسوب شده و فرد متخلف در صورت ارتکاب در بار اول به شش ماه انفصال موقت محکوم می‌شود؛ اما شرایط و ضوابط آن متأسفانه در بخشنامه مزبور مورد اشاره قرار نگرفته است. به هر حال، ورود یا خروج ارز از کشور بدون رعایت تشریفات قانونی یا از مسیرهای غیرمجاز ممنوع می‌باشد و به عنوان قاچاق ارز محسوب خواهد شد. به هر حال، بزه قاچاق ارز در حقوق کیفری ایران می‌تواند هم تخلف محسوب شود و هم جرم؛ رسیدگی به تخلف قاچاق بر اساس نوع قاچاقی که صورت گرفته است یا در صلاحیت رئیس گمرک محل است و یا شعب تعزیرات حکومتی که در صلاحیت غیرقضایی مورد مطالعه قرار می‌گیرند که رئیس گمرک محل و تعزیرات حکومتی، دارای ابلاغ ویژه رسیدگی به جرایم قاچاق می‌باشند و رسیدگی به جرم قاچاق ارز نیز در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب است. به طور کلی امروزه، جرایم قاچاق ارز به عنوان یک جرم بر ضد امنیت اقتصادی کشور محسوب می‌گردد. از آنجاکه قاچاق در زبان ترکی مصدر و به معنای فرار کردن است^۱، در فرهنگ‌نامه فارسی معین «کاری برخلاف قانون که پنهانی انجام شود. متاعی که معامله یا ورود آن به کشور ممنوع است»^۲ آمده است و عبارت است از وارد کردن یا صادر کردن مال یا کالا، موضوع درآمد دولت یا ممنوع‌الورود یا ممنوع‌الصور یا انحصاری است که برخلاف قوانین و مقررات حاکم بر این پدیده صورت

۱. شادنیا، مبارزه با قاچاق کالا، ۸.

۲. معین، فرهنگ فارسی، ۲۶۷.

می‌گیرد.^۳ از این رو می‌توان در خصوص جرم قاچاق ارز، عوامل مختلفی را مورد مطالعه قرار داد. در پدیده جرایم قاچاق ارز، مسببین بسیاری در پدید آمدن این بزه دخالت دارند. با توجه به صدر ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲، رسیدگی به جرایم قاچاق ارز به طور کلی در صلاحیت دادگاه انقلاب است؛ بنابراین رسیدگی به جرایم مرتبط با ارز در بندهای الف و ب ماده ۲۲ قانون فوق‌الذکر که ناظر بر کالاهای ممنوع می‌باشد، با لحاظ صدر ماده اخیرالذکر در صلاحیت دادگاه انقلاب است.^۴ ارز ممنوع قاچاق در هر کجا و نزد هر کس که باشد، ولو آنکه به عنوان حمل و نگهداری در اختیار داشته باشد، مطابق ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲ رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه انقلاب است و عبارت جرایم قاچاق مذکور در این ماده، اعم از جرم قاچاق و جرایم مرتبط با آن (حمل، نگهداری و فروش) است.^۵ مستفاد از ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۰۳ این است که رسیدگی به جرایم قاچاق ارز در صلاحیت دادگاه انقلاب و رسیدگی به تخلفات آنها در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است؛ بنابراین، موجب قانونی جهت رسیدگی توأمان به جرایم و تخلفات متهم واحد در دادگاه انقلاب وجود ندارد. در خصوص مورد استعلام که یک نفر دارای دو اتهام است که یکی در صلاحیت دادگاه انقلاب و دیگری در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است، دادگاه انقلاب به جرمی که در صلاحیت همان دادگاه است، باید رسیدگی کند؛ بنابراین، اگر در دادسرا قرار منع تعقیب در مورد جرمی که در صلاحیت همان دادگاه قرار دارد، صادر شود مشکلی به وجود نخواهد آمد. در این صورت، سازمان تعزیرات حکومتی نیز می‌تواند به تخلف داخل در صلاحیت خود رسیدگی کند.^۶ به طور کلی، رسیدگی به جرایم ارزی در خصوص قاچاق آن می‌تواند در شعب قضایی و غیرقضایی مطرح شود که ذیلاً مورد مطالعه قرار خواهند گرفت.

۳. ولیدی، حقوق کیفری اقتصادی، ۹۷.

۴. نظریه شماره ۱۳۳۷/۹۳-۷/۱۲-۱۳۹۳/۰۶ اداره کل حقوقی قوه قضائیه

۵. نظریه شماره ۱۹۶۷/۹۳-۷/۱۷-۱۳۹۳/۰۸ اداره کل حقوقی قوه قضائیه

۶. نظریه شماره ۲۸۸۹/۹۳-۷/۱۹-۱۳۹۳/۱۱ اداره کل حقوقی قوه قضائیه

۱- مفهوم‌شناسی

۱-۱- مفهوم ارز

بند «پ» ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ که بیان می‌دارد: «ارز: پول رایج کشورهای خارجی، اعم از اسکناس، مسکوکات، حوالجات ارزی و سایر اسناد مکتوب یا الکترونیکی است که در مبادلات مالی کاربرد دارد.» نیز مؤید همین موضوع است. از طرفی در عملیات بانکداری بین‌المللی که شامل مجموعه‌ای از روش‌ها، شیوه‌ها، طرز عمل، قواعد و مقررات پذیرفته شده برای مبادله کالا و خدمات در میان کشورها می‌باشد، از این پول‌های خارجی به عنوان «ارز» نام برده می‌شود. نیاز به توضیح است که پول ابزاری برای ذخیره ارزش است که در طی زمان ارزش خود را حفظ می‌کند و با ارز متفاوت می‌باشد.

۱-۲- مفهوم صلاحیت

صلاحیت در لغت به معنای شایستگی، درخوری، سزاواری و اهلیت می‌باشد.^۷ صلاحیت در اصطلاح عبارت از قدرت، شایستگی و توانایی قانونی دادگاه‌های دادگستری یا مراجع غیردادگستری به دعاوی و اختلافات و حل و فصل آنهاست.^۸ صلاحیت، یکی از مسائل مربوط به نظم قضایی است. قضات محاکم باید قبل از رسیدگی به هر دعوی تشخیص دهند که دعوا و اختلاف عنوان شده، داخل در محدوده صلاحیت و توانایی قانونی آنهاست یا خیر. در صورت داشتن صلاحیت مکلف به رسیدگی هستند. صلاحیت از قواعد امره محسوب می‌شود؛ بنابراین نمی‌توان برخلاف آن توافق و تراضی نمود. تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت هر دادگاه در رسیدگی به دعوا ارجاع شده با همان دادگاه است. مناط صلاحیت تاریخ تقدیم دادخواست است مگر در مواردی که خلاف آن مقرر شده باشد.^۹ با این حال صلاحیت عبارت است از توانایی و الزام و یا حق و تکلیفی که مراجع قضایی اعم از اداری و قضایی در رسیدگی به دعاوی، شکایات و یا امور به خصوص به حکم قانون دارند؛ بنابراین مراجع قانونی اعم از اداری، شبه قضایی و یا قضایی به حکم قانون مجاز به رسیدگی به شکایات و دعاوی می‌باشند ضمن اینکه در صورت ارجاع موضوع به آن مکلف به رسیدگی و

۷. دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ۱۵۰۰۵.

۸. بهرامی، آیین دادرسی مدنی، ۲۰۱.

۹. کریمی، آیین دادرسی مدنی، ۲۰۴.

صدور حکم هستند و این توانایی و الزام به حکم قانون است. در تشخیص صلاحیت اینکه موضوع مستحدثه اداری است یا قضایی و یا اینکه در چه محلی باید رسیدگی شود و یا در نصاب چه مرجعی می‌باشد، صلاحیت به ذاتی و نسبی شناسایی می‌گردد که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

۲- مراجع ذی صلاح قضایی و غیرقضایی

هرچند که قانونگذار به منظور تسریع در رسیدگی و تعیین تکلیف قطعی پرونده‌های قاچاق کالا و ارز به موجب مواد ۴۴ تا ۵۲ قانون مجازات مرتکبین قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ رسیدگی به پرونده‌های موضوع این قانون را خارج از تشریفات آیین دادرسی و تجدیدنظر اعلام نموده است، اما هم در این قانون و هم در آیین‌نامه مربوط و هم در دستورالعمل مصوب رئیس قوه قضائیه تشریفات خاصی برای رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا پیش‌بینی شده است. ضمن اینکه در موارد سکوت دادگاه‌ها به منظور اعمال مقررات در مقام رسیدگی از عموماً آیین دادرسی کیفری بهره می‌گیرند و بنابراین می‌توان گفت که در زمینه رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز، مقررات عدیده‌ای در خصوص صلاحیت مراجع غیرقضایی و قضایی حاکم است که به مهم‌ترین آنها در ذیل در دو شمارگان مختلف، اشاره خواهد شد.

۲-۱- مراجع غیرقضایی

الف) سازمان شاکي: در قانون سازمان‌هایی برای کشف و تعقیب جرم قاچاق پیش‌بینی شده است با عنوان سازمان شاکي؛ یعنی سازمان‌هایی که موظف به وصول جریمه و اعلام شکایت و طرح دعوا علیه مرتکبان قاچاق کالا و ارز هستند.

ب) سازمان کاشف: که به موجب قوانین و مقررات جاری کشور وظیفه مبارزه با قاچاق کالا و ارز را برعهده دارد.

در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ به سازمان شاکي هیچ‌گونه اشاره‌ای نگردیده است و منظور از آن همان سازمان تعزیرات حکومتی است.

در قانون سازمان‌هایی برای کشف و تعقیب جرم قاچاق پیش‌بینی شده است که با عنوان سازمان شاکي؛ یعنی سازمان‌هایی که موظف به وصول جریمه و اعلام شکایت و طرح دعوا علیه مرتکبان قاچاق کالا و ارز هستند.^{۱۰}

۱۰. پورابراهیم، «رویکردی به پدیده قاچاق کالا و ارز در پرتو نظام تقنینی و سیاست جنایی ایران»، ۲۵۳.

به موجب بند «ص» تبصره واحده ماده «۱» قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲: «دستگاه کاشف دستگاه اجرایی موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری است که به موجب این قانون و سایر قوانین و مقررات، وظیفه مبارزه با قاچاق کالا و ارز و کشف آن را برعهده دارد.» در این زمینه می‌توان گفت که گمرک جمهوری اسلامی ایران، بانک مرکزی، شرکت دخانیات ایران، شرکت سهامی شیلات ایران و وزارت امور اقتصادی و دارایی حسب مورد به عنوان سازمان شاکی و گاهی به عنوان سازمان کاشف تلقی می‌گردد و نیروی انتظامی هم که وظیفه مبارزه با قاچاق کالا و ارز را برعهده دارد همواره به عنوان سازمان کاشف تلقی می‌گردد که صلاحیت این دو مرجع (سازمان شاکی و سازمان کاشف) کاملاً متمایز و مشخص است. مطابق بند الف و ب ماده ۲ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز سازمان‌های شاکی و اداره‌های مأمور وصول درآمد دولت صلاحیت دارند در صورتی که بهای کالا و ارز موضوع قاچاق معادل ده میلیون ریال یا کمتر باشد فقط به ضبط کالا و ارز به نفع دولت و چنانچه بهای کالا و ارز قاچاق از ده میلیون ریال تجاوز کند و متهم حاضر شود نسبت به پرداخت جریمه معادل دو برابر بهای آن اقدام نماید نسبت به وصول جریمه و ضبط کالا اقدام نموده و از تعقیب کیفری متهم و طرح شکایت علیه وی صرف نظر نماید. ملاحظه می‌شود که اداره‌های مأمور وصول عایدات و سازمان‌های شاکی در زمینه پرونده‌های قاچاق کالا و ارز اختیارات وسیعی دارند که شامل ضبط کالای قاچاق، وصول جریمه تا دو برابر بهای کالا و عدم طرح شکایت کیفری علیه مرتکب جرم قاچاق است، ولی سازمان کاشف چنانچه سازمان شاکی هم تلقی نشود مانند نیروی انتظامی صرفاً نسبت به کشف جرم و توقیف کالای قاچاق و معرفی مرتکب سازمان شاکی اقدام می‌نماید و نقشی در تشخیص و عدم تشخیص جرم یا رهایی مجرم از تعقیب و مجازات ندارد و همانند جرایم دیگر بس‌ته به اینکه جرم مشهود باشد یا غیرمشهود در چهارچوب مقررات نسبت به بازرسی و کشف محموله قاچاق با مجوز قضایی (جرم غیرمشهود) یا بدون نیاز به مجوز قضایی (جرم مشهود) اقدام می‌نماید. ممکن است در همین مرحله اولیه در تشخیص قاچاق بودن یا قاچاق نبودن کالا شبهه و اختلاف نظر به وجود آید که قانونگذار در درجه اول تشخیص این موضوع را برعهده سازمان شاکی (گمرک) و در مراحل بعدی به تشخیص مراجع رسیدگی کننده (اعم از قضایی و غیرقضایی) محول نموده است.^{۱۱}

ج) سازمان تعزیرات حکومتی: این سازمان برای رسیدگی به پرونده‌های قاچاق ارز در دو مورد صلاحیت رسیدگی دارد: مورد اول به موجب تبصره ۲ ماده ۴ قانون مذکور زمانی است که مراجع قضایی به علت رسیدگی نکردن یا تطویل دادرسی و عدم تعیین تکلیف قطعی پرونده ظرف مدت یک ماه نسبت به صدور حکم اقدام نمایند که در این صورت با درخواست سازمان شاکی پرونده از محاکم قضایی یا سازمان شاکی مطالبه و توسط سازمان تعزیرات حکومتی رسیدگی می‌گردد. مورد دوم زمانی است که در مناطقی که جرم قاچاق ارز وقوع یافته، محاکم قضایی (شامل دادگاه‌های انقلاب و دادگاه‌های عمومی) وجود نداشته باشد. چنانچه در این مناطق که محاکم قضایی وجود ندارد سازمان تعزیرات حکومتی مستقر باشد این سازمان می‌تواند ابتدا به پرونده‌های قاچاق رسیدگی نماید، البته این سازمان نیز بر اساس جرایم و مجازات‌های مقرر در قوانین مربوط باید رسیدگی و اقدام نماید.^{۱۲}

۲-۲-۲- مراجع قضایی

۲-۲-۲-۱- دادگاه‌های انقلاب

به موجب ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ و بند ۵ ماده ۵ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب رسیدگی به این جرایم به عهده دادگاه انقلاب گذاشته شده است؛ یعنی صلاحیت دادگاه‌های انقلاب در زمینه رسیدگی به این پرونده‌ها از نوع صلاحیت ذاتی است. البته اعمال صلاحیت دادگاه انقلاب در این مورد منوط به آن است که اولاً، سازمان شاکی علیه مرتکب طرح شکایت نماید؛ و ثانیاً، پرونده ابتدا در دادرسی عمومی و انقلاب رسیدگی گردیده، احراز مجرمیت شده و با تنظیم کیفرخواست به دادگاه ارسال شده باشد. ضمن اینکه اطاله دادرسی در دادگاه و طولانی شدن رسیدگی به پرونده بیش از یک ماه صلاحیت دادگاه را در ادامه رسیدگی ساقط می‌نماید که این موضوع از جمله نواذر مواردی است که صلاحیت یک مرجع قضایی به نفع یک مرجع غیرقضایی ساقط می‌شود که از لحاظ حقوقی و مغایرت با قانون اساسی اهمیت دارد و شاید علت تصویب این قانون در مجمع به همین دلیل باشد (مغایرت برخی از مواد آن با اصول قانون اساسی) ضمناً در مورد مهلت یک‌ماهه مذکور در قانون، ذکر سه نکته حائز اهمیت است: مهلت یک‌ماهه هم برای رسیدگی دادرست و هم دادگاه و هر دوی این مراجع باید ظرف مهلت یک ماه پرونده

امر را منتهی به صدور حکم نمایند و برخلاف تصور برخی دو مهلت یک ماهه پیش‌بینی نشده است. در صورت اتمام مهلت یک ماهه مراجع قضایی حق رسیدگی به پرونده را نداشته و در راستای قانون نحوه رسیدگی به جرم قاچاق کالا و ارز باید پرونده را به سازمان تعزیرات حکومتی ارسال نمایند. در صورت ارسال پرونده به سازمان تعزیرات حکومتی در صورتی که متهم بازداشت شده باشد باید به همراه پرونده و تحت‌الحفظ به آن مرجع اعزام گردد تا نسبت به ابقای قرار تأمین صدور قرار جدید تکلیف وی مشخص شود و ارسال پرونده بدون متهم و بلاتکلیف گذاشتن وی خلاف مقررات است.^{۱۳}

۲-۲-۲- دادگاه‌های عمومی

باتوجه به اینکه دادگاه‌های انقلاب عمدتاً در مراکز استان‌ها تشکیل می‌شود و در شهرستان‌ها مستقر نیست، قانونگذار در قسمت اخیر تبصره ۲ ماده ۴ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی صلاحیت دادگاه‌های عمومی را هم در نقاطی که دادگاه انقلاب تشکیل نشده است، پذیرفته است و دیوان عالی کشور هم در یک رأی وحدت رویه به شماره ۶۷۶ مورخ ۱۳۸۴/۰۳/۰۱ بر این امر تأکید ورزیده است.^{۱۴} البته مطابق ماده ۷۰۳ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۸۷/۰۸/۲۲ هرچند که وارد نمودن مشروبات الکلی به کشور قاچاق محسوب می‌گردد ولی در انتهای همین ماده تصریح شده است که رسیدگی به این جرم در صلاحیت محاکم عمومی است. ملاحظه می‌شود که برای رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز پنج مرجع با شرایط خاص واجد صلاحیت هستند:

- ۱) اداره‌های مأمور وصول عایدات دولت؛
- ۲) سازمان تعزیرات حکومتی؛
- ۳) دادرهای عمومی و انقلاب؛
- ۴) دادگاه‌های انقلاب؛
- ۵) دادگاه‌های عمومی؛

۶) دادگاه‌های اطفال (درمورد مجرمین زیر هشت سال).

البته صلاحیت ذاتی برای رسیدگی به این پرونده‌ها مربوط به دادگاه انقلاب و درمورد دیگر مراجع صلاحیت اضافی موردتوجه قانونگذار است که قطعاً صلاحیت محلی برای

۱۳. پورا بر اهی، پیشین، ۲۵۹-۲۵۸.

۱۴. قربانی، مجموعه آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور (جزایی)، ۸۰۶.

رسیدگی به این پرونده‌ها با توجه به محل وقوع جرم یا محل کشف جرم یا دستگیری متهم در اجرای قانون آیین دادرسی کیفری باید مورد توجه قرار گیرد.^{۱۵}

۳- آیین رسیدگی^{۱۶}

خارج نمودن رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز از تشریفات آیین دادرسی گاهی خود موجب سردرگمی و تشتت رسیدگی نزد مراجع صلاحیتدار قانونی شده است که در این زمینه می‌توان به آیین رسیدگی به این پرونده‌ها اشاره کرد. اولاً تعیین مهلت‌های قانونی برای تکمیل پرونده و رسیدگی به آن بخشی از این قانون را تشکیل می‌دهد. مثل اینکه سازمان‌های شاکی مکلف‌اند ظرف پنج روز از کشف قاچاق نسبت به تکمیل پرونده اقدام نمایند، یا اینکه در موردی که متهم حاضر به پرداخت جریمه نباشد باید ظرف پنج روز از تاریخ کشف، پرونده را برای تعقیب کیفری نزد مرجع قضایی ارسال نماید. مهلت قانونی مراجع قضایی برای رسیدگی به پرونده و صدور حکم نیز یک ماه پس از دریافت شکایت است. ملاحظه می‌شود که قانونگذار در مقام تسریع در رسیدگی و تعیین تکلیف قطعی پرونده این مهلت‌ها را قرار داده است. در مورد ماهیت رسیدگی یا نحوه رسیدگی، دستورالعمل قوه قضائیه نیز مواردی را احصاء نموده است که مهم‌ترین آن رسیدگی خارج از نوبت در مهلت مقرر توسط مراجع قضایی، رسیدگی غیابی و مواردی از این قبیل است که صرفاً جهت وحدت رویه اعمال می‌شود. آنچه در این زمینه مغفول مانده است نحوه رسیدگی سازمان تعزیرات حکومتی به این پرونده‌هاست؛ یعنی آن محدودیتی که برای مراجع قضایی به روشنی اعمال گردیده است (مهلت یک‌ماهه قانونی) در مورد این سازمان پیش‌بینی نشده و دستورالعمل قوه قضائیه نیز صرفاً شامل محاکم قضایی می‌شود و سازمان تعزیرات حکومتی خود را مقید به رعایت آن نمی‌کند. در مورد صلاحیت دادرهای عمومی و انقلاب در رسیدگی به پرونده‌های قاچاق

۱۵. پورابراهیم، پیشین، ۲۶۰.

۱۶. نظریه شماره ۱۳۹۴/۰۱/۱۹-۷/۹۴/۸۳ در کلیه مواردی که شرایط و ضوابط دادرسی در این قانون پیش‌بینی نشده باشد مطابق قانون آیین دادرسی کیفری رفتار می‌شود. به این اعتبار، احکام و قواعد مربوط به اعتراض به احکام دادگاه‌ها که از قواعد امره قانون آیین دادرسی کیفری است، در خصوص آرای صادره در اجرای قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ باید رعایت گردد با لحاظ اینکه پیش‌بینی حق تجدیدنظرخواهی برای دادستان در تبصره ۳ ماده ۵۰ آن قانون، نافی حق تجدیدنظرخواهی محکوم‌علیه مطابق مقررات آیین دادرسی کیفری نمی‌باشد.

کالا و ارز نیز قانون به‌نحوی نگارش یافته که به‌نظر می‌رسد جایگاهی برای این مراجع و صلاحیت رسیدگی قائل نشده است؛ زیرا در مواردی که قیمت موضوع قاچاق زیر ده میلیون ریال باشد نیازی به ارسال پرونده به مرجع قضایی نیست و با ضبط کالا توسط سازمان شاک (ادارات مأمور وصول عایدات دولت از قبیل گمرک، شیلات، دخانیات و بانک مرکزی) پرونده مختومه می‌شود و اگر قیمت کالای قاچاق بیش از ده میلیون ریال باشد، کالای قاچاق ضبط شده و اگر متهم در مرحله اداری حاضر به پرداخت جریمه بشود به شرح فوق پرونده مختومه می‌شود و اگر هم نسبت به ضبط کالا و اخذ جریمه اعتراض داشته باشد پرونده برای رسیدگی به اعتراض وی باید به دادگاه ارسال گردد و دادسرا در این مرحله هم نقشی ندارد. البته در مواردی که در مرحله اداری حاضر به پرداخت جریمه نباشد پرونده ابتدائاً به دادسرا برای رسیدگی ارسال می‌شود و در مواردی هم که رأی توسط دادگاه صادر می‌شود اجرای آن با دادسرای است که در معیت دادگاه انجام وظیفه می‌کند.^{۱۷}

۳-۱- سپردن قرار تأمین

طبق نظریه شماره ۱۳۹۳/۰۲/۲۲-۷/۹۳/۳۸۹ اداره کل حقوقی قوه قضائیه، با عنایت به صراحت تبصره ۲ ماده ۴۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۰۳ در الزامی شدن صدور قرار وثیقه متناسب در مورد جرایم قاچاق کالا و ارز مکشوفه با ارزش بالای یکصد میلیون ریال حتی با فرض بیم اختفای ادله، تبانی و فرار متهم، بند «د» ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌ها در امور کیفری در مورد صدور قرار بازداشت موقت درباره جرایم فوق‌الذکر تخصیص داده شده، بدیهی است چنانچه ارزش کالا و ارز مکشوفه قاچاق کمتر از میزان مذکور باشد، اخذ تأمین مناسب به غیر از وثیقه فاقد منع قانونی است ولی در این فرض، در صورت بیم تبانی و مخفی کردن ادله جرم و فرار متهم، صدور قرار وثیقه الزامی است.

باتوجه به ماده ۷ دستورالعمل قوه قضائیه قرار تأمین پرونده‌های قاچاق کالا و ارز منحصراً وثیقه متناسب با مجازات قانونی جرم یا بازداشت موقت در صورت بیم تبانی و اخفاء و ادله جرم است که البته استفاده از قرارهای تأمین شدید در مورد مرتکبان قاچاق کالا و ارز که در این دستورالعمل آمده در برخی از موارد منطقی به‌نظر نمی‌رسد خصوصاً در مواردی که قیمت کالا پایین است استفاده از قرارهای تأمین سبک‌تر مانند کفالت پسندیده‌تر به‌نظر می‌رسد.^{۱۸}

۱۷. ساکی، پیشین، ۹۱-۹۰.

۱۸. همان، ۹۱.

۳-۲- ادله اثباتی

طبق نظریه شماره ۱۳۹۲/۱۲/۰۵-۷/۹۲/۲۳۱۳ اداره کل حقوقی قوه قضائیه، احراز مالکیت کالا و ارز نسبت به اشخاص، امری موضوعی است که در صلاحیت مرجع رسیدگی کننده است و لکن چنانچه با بررسی مراتب، مرجع رسیدگی کننده نتوانست مالکیت ارز را با بررسی اسناد و مدارک احراز نماید، صرف تصرف شخص نمی تواند به تنهایی اثبات مالکیت نماید بلکه مطابق ماده ۳۵ قانون مدنی، تصرفی دلیل بر مالکیت است که به عنوان «مالکیت» صورت پذیرفته باشد و صرف حمل کالا و ارز با وجود انکار مالکیت از سوی حامل، چنین امری را به اثبات نمی رساند. ضمناً «مالک متواری» با «بلاصاحب» متفاوت است و در اولی مالک کالا شناخته شده و لکن متواری (فراری) محسوب می شود اما در مورد بلاصاحب، مالی است که دارای متصرف و مالک مشخص نمی باشد. مهم ترین دلیل اثباتی در جرم قاچاق کالا و ارز کشف کالا و ارز در ید متهم یا در مکان متعلق به وی است. مگر اینکه کالا و ارز از بین رفته یا در دسترس نباشد که در این صورت اقرار و اعتراف مرتکب جرم، شهادت شهود و اسناد و مدارک گمرکی می تواند به عنوان دلیل جرم تلقی گردد. در میان ادله اثبات دعوی، دلیل کتبی (اسناد کتبی) بیشتر از دیگر اقسام دلایل اثبات دعوی به کار می رود و از میان ادله قانونی هیچ یک به اندازه سند رسمی ارزش نداشته و قابل اعتماد نیست، زیرا این گروه اسناد توسط سازمان های صلاحیت دار یا مأموران رسمی آن و در حدود صلاحیت آنها و طبق مقررات قانونی (رعایت صلاحیت ذاتی و محلی) تنظیم و امضاء می گردد که از حیث ادله موجد قناعت وجدانی دادرس، جز عادلانه مستقیم به شمار می رود. اسناد مثبت گمرکی احصاء شده در قانون مطابق ماده ۱۹ قانون امور گمرکی و ماده ۲۸۰ از آیین نامه قانونی فوق راجع به این گروه از اسناد شناخته شده گمرکی چنین مقرر می دارد: «اسناد مثبت گمرکی^{۱۹} که در موارد سوءظن قاچاق ممکن است به آن استناد نمود عبارت است از پروانه ورود گمرکی، پته مسافری، قبض سپرده که به موجب آن کالا و ارز مرخص شده، قبض خرید کالا از گمرک، پته مسافری، قبض سپرده که به موجب آن کالا مرخص شده، قبض خرید کالا از گمرک، پته عبور داخلی، پروانه ترانزیت خارجی، پروانه کابوتاژ، پروانه کالای مرجوعی، پروانه ورود موقت، پروانه صدور

۱۹. منظور از اسناد مثبت گمرکی، اسنادی هستند که مؤید ورود ارز به ترتیب مجاز به کشور، انجام تشریفات قطعی گمرکی در خصوص آنها و ترخیص از گمرک با صدور سند و پرداخت کلیه وجوهی که به ورود قطعی ارز تعلق می گیرد، اطلاق می شود.

موقت، مشروط بر اینکه مشخصات مذکور در این اسناد با مشخصات کالا از هر حیث تطبیق نماید و فاصله بین تاریخ صدور سند و تاریخ کشف کالا باتوجه به نوع کالا و نحوه مصرف آن متناسب باشد.^{۲۰}

۳-۳- تجدیدنظر و اعتراض به حکم

در ماده ۱۱ دستورالعمل حوزه رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز تصریح شده بود که آرای صادر شده در خصوص پرونده‌های قاچاق کالا و ارز قطعی و لازم‌الاجراست و بلافاصله به موقع اجرا گذاشته خواهد شد.^{۲۱} قوه قضائیه در مورخه ۱۳۷۹/۰۸/۰۹ این ماده را اصلاح کرده و اعلام نموده بود که احکام صادره از لحاظ قطعیت یا عدم قطعیت و قابلیت یا عدم قابلیت تجدیدنظرخواهی و مرجع آن مانند دیگر احکام جزایی است که دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۱۱۴ مورخ ۱۳۸۰/۰۴/۱۰ این اصلاحیه قوه قضائیه را ابطال نمود زیرا آن را مغایر هدف و حکم مقنن و خارج از حدود اختیارات قوه قضائیه اعلام نمود؛ یعنی بازگشت دوباره‌ای به قطعیت احکام و قابل تجدیدنظر نبودن آن به عمل آورد.^{۲۲}

درباره قطعی بودن یا قابلیت تجدیدنظر بودن احکام صادره در مورد قاچاق ارز میان قضات دادگستری اختلاف نظر وجود داشت که نظریات ابراز شده را در سه گروه می‌توان قرار داد. «اول: باتوجه به بند (پ) ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری و نظریه شماره ۷/۶۸۱۷ مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۱۰ صادره از اداره کل امور حقوقی و اسناد و مترجمان قوه قضائیه و قسمت اخیر ماده ۲۵ قانون مارالذکر مبنی بر حدود اختیارات دیوان در ابطال مقررات آیین‌نامه و

۲۰. احمدی، جرم قاچاق، ۲۲۱.

۲۱. ماده ۵۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲: «آرای شعب بدوی تعزیرات در مورد قاچاق کالا و ارز که ارزش آنها کمتر از بیست میلیون (۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال) باشد، قطعی است. در سایر موارد آرای شعب ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ با درخواست محکوم‌علیه قابل تجدیدنظرخواهی است.

تبصره ۱- جهات تجدیدنظرخواهی در شعب تعزیرات حکومتی مطابق قانون آیین دادرسی کیفری است.

تبصره ۲- آرای صادره از شعب تعزیرات حکومتی در مورد پرونده‌های قاچاق کالا و ارز قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضایی نیست.

تبصره ۳- آرای صادره از شعب بدوی تعزیرات حکومتی و دادگاه انقلاب در صورتی که مبنی بر براءت متهم باشد ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ و پس از درخواست دادستان یا دستگاه مأمور وصول درآمدهای دولت یا ستاد و یا عنداللزوم دستگاه کاشف، قابل تجدیدنظرخواهی است. پرونده حسب مورد از سوی رئیس سازمان تعزیرات حکومتی یا رئیس کل دادگستری استان برای رسیدگی مجدد به یکی از شعب تجدیدنظر مربوطه ارجاع می‌شود. رأی شعبه تجدیدنظر قطعی و لازم‌الاجراست.»

۲۲. احمدی، پیشین، ۲۲۱.

تصویب‌نامه‌هایی که خارج از حدود اختیارات قوه مجریه اصدار یافته و اینکه قوه قضائیه در اصطلاح حقوقی، قوه مجریه محسوب نمی‌شود و هیچ نصی در تبعیت محاکم قضایی از آراء و هیئت عمومی دیوان عدالت اداری بر ابطال دستورالعمل اخیرالذکر ریاست محترم قوه قضائیه خارج از اختیارات آن مرجع است؛ بنابراین، اصلاحیه دستورالعمل مزبور به قوت خود باقی است و قطعیت یا قابلیت تجدیدنظرخواهی این احکام، تابع قواعد عمومی و مقررات آیین دادرسی کیفری است؛ دوم: اساساً دیوان عدالت اداری دستورالعمل صادره ریاست محترم فعلی قوه قضائیه را باطل کرده و با ابطال اصلاحیه دستورالعمل مزبور باید دستورالعمل قبلی؛ یعنی اینکه آرای صادره در مورد قاچاق کالا و ارز کماکان قطعی است، لازم‌الرعایه باشد؛ سوم: هرچند دیوان عدالت اداری خارج از اختیارات خود مبادرت به ابطال دستورالعمل اخیرالذکر ریاست محترم قوه قضائیه کرده است و رأی هیئت عمومی اصدار یافته با وجود این تا زمانی که این رأی به قوت خود باقی است و بی‌اعتبار نشده، اصلاحیه دستورالعمل صادره ابطال شده محسوب می‌شود و آرای مزبور در باب جرایم قاچاق کالا و ارز قطعی است.^{۲۳} کمیسیون قضایی مدنی معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه هم در پاسخ به نظریات بالا این چنین نظر داده است: «ملاک قابلیت تجدیدنظر احکام صادره از ناحیه دادگاه‌ها در امور کیفری، قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری است و در موارد منصوص در قوانین خاص، از جمله قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام و آیین‌نامه اجرایی قانون مزبور مصوب ۱۳۷۹ در خصوص آرای صادره و قابلیت تجدیدنظر در آنها تعیین تکلیف شده است.»^{۲۴} نظریه بالا مبتنی بر دستورالعمل جدید رئیس محترم قوه قضائیه است که قطعیت و تجدیدنظرخواهی از آرای مرتبط با قاچاق کالا و ارز را مشمول احکام کلی قانون آیین دادرسی کیفری دانسته است. در حالی که این نظر مقبول دادگاه‌ها قرار گرفته است و هم‌اکنون نیز دادگاه‌ها در انتهای رأی خود احکام مربوط به قاچاق کالا و ارز را حسب مورد قطعی یا قابل تجدیدنظر اعلام می‌نمایند. سازمان تعزیرات حکومتی مطابق آیین‌نامه خاص خود، آرای صادره در مورد قاچاق کالا را قطعی اعلام می‌کند، اما برای شکایت از آرای صادره از ناحیه سازمان تعزیرات حکومتی در اجرای بند ۲- ب ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵/۰۳/۰۹ می‌توان به دیوان عدالت اداری شکایت نمود. هرچند که شکایت از آرای قطعی سازمان

۲۳. نشست قضایی دادگستری کرمان، اردیبهشت ۱۳۸۶.

۲۴. احمدی، پیشین، ۲۲۱.

تعزیرات حکومتی در دیوان عدالت اداری موجب توقف اجرای حکم نمی‌شود. مگر اینکه دیوان عدالت اداری در اجرای ماده ۱۵ قانون مذکور به صدور دستور موقت مبنی بر توقف اجرای آرای صادره مبادرت نماید. در مورد آرای صادره از مراجع قضایی (دادگاه‌های عمومی یا انقلاب) که گفتیم در مواردی قطعی هستند تنها راه شکایت از این آراء از طریق اعاده دادرسی است. نتیجه اینکه آرای صادره در مورد پرونده‌های قاچاق کالا و ارز از طرف سازمان تعزیرات حکومتی قطعی است و راه‌های فوق‌العاده تجدیدنظرخواهی از این آرای قطعی نیز بسیار محدود و مانع از اجرای حکم صادره نمی‌شود.^{۲۵}

نتیجه

باتوجه به بند «پ» ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ که مفهوم ارز را چنین بیان می‌دارد: «ارز، پول رایج کشورهای خارجی، اعم از اسکناس، مسکوکات، حوالجات ارزی و سایر اسناد مکتوب یا الکترونیکی است که در مبادلات مالی کاربرد دارد.» و باتوجه به تعریف مزبور، ارز می‌تواند موضوع قاچاق قرار گیرد و بنا به شرایطی موضوع تخلف یا جرم باشد؛ قاچاق ارز می‌تواند در شعب قضایی و غیرقضایی مورد رسیدگی قرار گیرد؛ طبق نظریه شماره ۱۰۳/۷/۹۴-۱۱/۱۹-۱۳۹۴/۰۱ اداره کل حقوقی قوه قضائیه: «منظور از عبارت «جرایم قاچاق» مذکور در صدر ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۰۳، اعم از جرم قاچاق و جرایم مرتبط با آن (حمل، نگهداری و فروش) است؛ بنابراین رسیدگی به جرایم حمل و نگهداری و فروش ارز موضوع قاچاق، در صلاحیت دادگاه انقلاب است.» بنابراین رسیدگی به جرایم حاملان قاچاق ارز در صلاحیت دادگاه انقلاب می‌باشد و شرایط احراز و انتساب جرم قاچاق ارز نیز طبق مقررات قانونی به عمل خواهد آمد. مستفاد از ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۰۳ این است که رسیدگی به جرایم قاچاق ارز در صلاحیت دادگاه انقلاب و رسیدگی به تخلفات آنها در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است؛ بنابراین، موجب قانونی جهت رسیدگی توأمان به جرایم و تخلفات متهم واحد در دادگاه انقلاب وجود ندارد. در خصوص مورد استعلام که یک نفر دارای دو اتهام است که یکی در صلاحیت دادگاه انقلاب و دیگری در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است، دادگاه انقلاب به جرمی که در صلاحیت همان دادگاه است، باید رسیدگی کند؛ بنابراین، اگر در دادسرا قرار منع تعقیب در مورد جرمی که در صلاحیت همان دادگاه قرار دارد، صادر شود، مشکلی به وجود نخواهد آمد.

فهرست منابع

- احمدی، عبدالله. جرم قاچاق. تهران: میزان، ۱۳۸۲.
- بهرامی، بهرام. آیین دادرسی مدنی، علمی و کاربردی. تهران: نگاه بینه، ۱۳۸۵.
- پورابراهیم، احمد. «رویکردی به پدیده قاچاق کالا و ارز در پرتو نظام تقنینی و سیاست جنایی ایران». بررسی‌های حقوقی ۳ (۱۳۹۱): ۲۶۸-۱۹۹.
- دهخدا، علی‌اکبر. لغت‌نامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- ساک، محمدرضا. جرایم قاچاق کالا و ارز. تهران: مجد، ۱۳۹۰.
- شادنی، هوشنگ. مبارزه با قاچاق کالا. تهران: اداره کل پشتیبانی و آموزش، ۱۳۹۵.
- قربانی، فرج‌الله. مجموعه آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور (جزایی). تهران: انتشارات فردوسی، ۱۳۸۶.
- کریمی، عباس. آیین دادرسی مدنی. تهران: مجد، ۱۳۸۶.
- معین، محمد. فرهنگ فارسی. جلد ۲. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۳.
- ولیدی، محمدصالح. حقوق کیفری اقتصادی. تهران: میزان، ۱۳۸۶.